

شخصیت عرفانی

و

اخلاقی

پیامبر

صلی الله علیه وآله

۵

محمد رضا امین زاده

محمد (ص) در اصلاص پاک

سنت الهی بر این جاری شده است که به حسب شرایط خاص، افاضه ای خاص داشته باشد و هر موجودی را به مقتضای شرایط ویژه حاکم بر او، تحت رحمانیت خویش قرار می دهد. در زمین شوره زار خس و خاشاک می رویاند و در زمین نرم و خوش آب و هوا، گل را، سنگی را در شرائطی خاص عقیق و در شرائط دیگری سنگ خارا و همچنین فلزی را در شرائط خاصی طلا و یا نقره و در شرائط دیگر آهن می گرداند، به عبارت دیگر هر قدر خاص، قضاء خاصی دارد حکم الهی درباره یک پدیده به دنبال قدر الهی می باشد.

در روایات، قضا به دنبال قدر ذکر شده است از جمله در روایت علی بن ابراهیم هاشمی آمده است:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: لَا يَكُونُ شَيْءٌ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ
وَأَرَادَ وَقَدَّرَ وَقَضَى!

.....
۱- کافی ج ۱ ص ۱۵۰، ج ۱ باب المشیة والارادة.

گفت از موسی بن جعفر (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: هیچ چیزی موجود نمی شود جز این که خدا بخواهد و اراده نماید و اندازه گیری نماید و حکم کند (خواست خدا مقدم بر اراده و اراده مقدم بر اندازه گیری و قدر مقدم بر حکم کردن است).

قدر ، شرائط و اندازه های خاص است و قضا، افاضه و حکم خاص مناسب با قدر.

عدل خداوند اقتضاء می کند که هر چیزی در جای مناسب خودش نهاده شود و از آنجا که هر ممکنی از حد و استحقاق ذاتی خاصی برخوردار است، وجود و کمالی در همان حد و استحقاق خاص، می گیرد.

در جهان طبیعت که جهانی مادی است، تنها امکان ذاتی برای نائل شدن به فیض الهی کافی نیست بلکه علاوه بر امکان ذاتی امکان استعدادی هم ضرورت دارد زیرا که ماده در حال تغییر و تحوّل است و لذا کمال های مختلفی می پذیرد و کمال های مختلف، محکوم استعدادهای مختلف می باشد، آن موجودی که از شرائط همگون تر و امکان استعدادی بیشتر برخوردار باشد، استحقاق بالاتری را جهت گرفتن کمال عالی تر، از مبدأ فیض دارد. تخم گلی که دارای مرغوبیت بالایی است و در گلدان یا زمینی آماده کاشته می شود و شخص گلکار با معرفت و علمی که به آن دارد، مراقبت کامل از آن به عمل می آورد، بوته گلی با رشدی سریع و زیبایی خیره کننده که از عطری عالی نیز برخوردار است به منصفه ظهور خواهد رسید، در صورتی که عکس این شرائط، نتیجه عکس خواهد داد. به گفته شاعر:

نطفه پاک بپساید که شود قایل فیض
ورنه هر سنگ و گلی سؤلؤ و مرجان نشود

طبق سنت مزبور هر تخمی قابلیت رشد هر نطفه ای را ندارد و هر نطفه ای استعداد آن را ندارد که حامل پاکی ها باشد. شرائط خاص، استحقاق و حد و قدر خاصی لازم است که نطفه ای پاک به وجود بیاید و در رحم آماده و پاک قرار گیرد و به کمال شایسته انسانی برسد و به مقام خلیفه الهی نائل شود.

بر اساس سنت مزبور است که اسلام تأکید می کند در هنگام ازدواج باید دقت داشته باشید با هر زنی ازدواج نکنید و دختر را به ازدواج هر مردی در نیاورید، ملاک را تقوا و صلاح قرار دهید، فقط زیبایی ظاهری و مال و ثروت ملاک نباشد.

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَالَ لِلنَّاسِ: إِنِّي أَكُفُّمُ وَخَضِرَاءُ الدِّقَنِ، قِيلَ:
يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مُنْبِتِ السُّوءِ.^۲

رسول خدا(ص) به مردم فرمودند: از آن سبزی که در لجن زار بروید دوری کنید، گفته شد یا رسول خدا مقصود از سبزی روئیده در لجن زار چیست؟ فرمودند: زن نیکو صورتی که در خانواده بد رشد کرده باشد.

عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ لِي قَرَابَةً فُذَّ
خَطْبِ إِلَيَّ وَفِي خُلُقِهِ سُوءٌ قَالَ: لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ.^۳

از حسین بن بشار رسیده است که گفت: طی نامه ای به محضر امام رضا (علیه السلام) نوشتم: شخصی از خویشان و بستگانم درخواست ازدواج با مرا دارد ولی از اخلاقی بد برخوردار است. حضرت در پاسخ فرمودند: چنانچه بد اخلاق باشد با او ازدواج مکن.

حدیث دیگری از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) روایت شده که می فرماید: تَخَيَّرُوا لِطَلْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؟

(محلّی خوب را) برای نطفه های خودتان اختیار کنید زیرا که اصل و وراثت نقش حساسی را در شکل گیری شخصیت بچه هایتان دارد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ فَاسِقٍ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا.^۴

کسی که دخترش را به ازدواج فاسقی درآورد به راستی که قطع رحم کرده است. روایات بسیاری دیگر که گویای دقت در تزویج است وارد شده که در این مقال مجال ذکر آنها نیست.

بعد از بیان مطالب مزبور به عنوان مقدمه، روشن می گردد که نور نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) باید در اصلاّب شامخه و پاک بوده باشد، زیرا که هر صلبی و هر رحمی قابلیت آن را که محل آن نور باشد ندارد و هر نطفه ای استحقاق پذیرش آن را نمی تواند داشته باشد. نوری که اول ما خلق الله است و از مرتبه قرب الهی تنزل حاصل کرده و با خلقت آدم (علیه السلام) به عالم طبیعت تنزل یافته، باید در صلب و نطفه و رحمی قرار گیرد که صد در صد پاک باشد و لذا طبق روایات بسیاری، نور آن

.....

۴- المحجة البيضاء ج ۳ ص ۹۳.

۲- بحارج ۱۰۰ ص ۲۳۲ روایت ۱۰.

۵- المحجة البيضاء ج ۳ ص ۹۴.

۳- بحارج ۱۰۰ ص ۲۳۴ روایت ۱۷.

حضرت همواره در اصلاّب و ارحام پاک قرار می‌گرفته است.

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت می‌کند که فرمودند:

پس از آنکه جهان به واسطه نور محمد (صلی الله علیه وآله) آفریده شد سَكَنَ نُورُ مُحَمَّدٍ (ص) تَحْتَ الْعَرْشِ ثَلَاثَةَ وَسَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ انْتَقَلَ نُورُهُ إِلَى الْجَنَّةِ فَبَقِيَ سَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ انْتَقَلَ إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَبَقِيَ سَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ انْتَقَلَ نُورُهُ إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، ثُمَّ إِلَى السَّمَاءِ السَّادِسَةِ ثُمَّ إِلَى السَّمَاءِ الْخَامِسَةِ ثُمَّ إِلَى السَّمَاءِ الْرَّابِعَةِ ثُمَّ إِلَى السَّمَاءِ الثَّالِثَةِ ثُمَّ إِلَى السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ ثُمَّ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَبَقِيَ نُورُهُ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا إِلَى أَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ...

... نور پیامبر گرامی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) هفتاد و سه هزار سال تحت عرش اقامت کرد، سپس به بهشت منتقل شد و هفتاد هزار سال در آنجا باقی ماند و سپس به سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى انتقال پیدا کرد و هفتاد هزار سال در آنجا توقف کرد و پس از آن به آسمان هفتم و از آنجا به آسمان ششم و پنجم و چهارم و سوم و دوم نزول فرمود تا آن که به آسمان دنیا انتقال یافت. پس نور آن حضرت در آسمان دنیا ماند تا آنگاه که خدا اراده فرمود تا آدم را بیافریند.

در حدیثی از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

فرمودند:

قَلَّمَا أَنْ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَلْفَى النَّوْرَ فِي صُلْبِ آدَمَ فَأَقْبَلَ يُنْقِلُ ذَلِكَ النَّوْرَ مِنْ صُلْبِ إِلَى صُلْبٍ حَتَّى افْتَرَقْنَا فِي صُلْبِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَأَبِي طَالِبٍ، فَخَلَقَنِي، رَبِّي مِنْ ذَلِكَ النَّوْرِ لِكِنَّةِ لَأَنْبِيَّ بَغْدَدِي. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

... هنگامی که خداوند آدم (علیه السلام) را آفرید نور پیامبر (ص) را در صلب آدم قرار داد و صلب آدم به جهت قابلیت که داشت آن را پذیرفت پس آن نور از صلبی به صلب دیگر انتقال می‌یافت تا این که قسمی از آن در صلب عبدالله و قسمی در صلب ابی طالب دو فرزند عبدالمطلب قرار گرفت، پس خدای بزرگ مرا از آن نور آفرید و من خاتم پیامبران هستم.

و در حدیثی دیگر راجع به نور رسول خدا (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام)

آمده است:

.....

۷- بحار ج ۱۵ ص ۷-۶ روایت ۶.

۶- بحار ج ۱۵ ص ۳۱.

حَتَّىٰ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَخْلُقَ صُورَنَا صَبَّرْنَا عُمُودَ نُورٍ ثُمَّ قَدَفْنَا فِي صَلْبِ آدَمَ
ثُمَّ أَخْرَجْنَا إِلَىٰ أَضْلَابِ الْأَبَاءِ وَأَرْحَامِ الْأُمَّهَاتِ وَلَا يُصِيبُنَا نَجَسُ الشِّرْكِ وَلَا يَفَاحُ الْكُفْرِ...^۸

... وقتی که خداوند عزوجل اراده فرمود، شمایل ما را بیافریند ما را ستونهایی از نور قرار داد سپس در صلب آدم جای داد و آنگاه در اصلاب و ارحام پاک پدران و مادران مان قرار داد و هرگز پلیدی شرک و بی عفتی کفر و بی ایمانی به ما راهی پیدا نمی‌کند.

مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله علیه) در رابطه با مسأله مورد بحث چنین می‌فرماید:
اتفاق امامیه (رضوان الله علیهم) بر این است که پدر و مادر و تمام اجداد رسول خدا (ص) تا آدم (ع) مسلمان بلکه از صدیقین بودند، برخی از آنان از پیامبران مرسل و بعضی دیگر از اوصیاء معصوم بوده‌اند و این که بعضی از آنها اظهار اسلام نکرده‌اند به جهت تقیه و یا به لحاظ مصالح دینی دیگر بوده است.

و امین الدین طبرسی در تفسیر مجمع البیان می‌نویسد: طائفه شیعه بر این مطلب اتفاق نظر دارند و از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند که فرمود: خداوند متعال مرا همواره از اصلاب پاک به ارحام پاک منتقل می‌ساخت تا سرانجام در این دنیای شما مرا ظاهر گردانید و از پلیدی‌های جهالت هرگز چیزی دامن مرا نیالوده است.^۹

اگر چه امکان ذاتی در آفرینش نور نبی گرامی اسلام (ص) کافی بود ولی برای تجلی و ظهور این نور در عالم طبیعت علاوه بر امکان ذاتی، احتیاج به امکان استعدادی نیز بوده است بدین ترتیب که ماده‌ای که در مسیر تحوّلش نطفه می‌گردد و آن نطفه پس از تحوّل در رحم به آخرین درجه رشدش نائل می‌گردد، باید از آن چنان امکان استعدادی برخوردار باشد که قابلیت دریافت نور محمدی را داشته باشد و گرنه هر نطفه‌ای قابل آن چنان فیض عظیمی نخواهد بود و لذا نور آن حضرت در صلب انبیاء عظام و یا اوصیاء آنان و نیز در ارحام مطهره، قرار داشته است تا آنگاه که آن نور در صلب «عمر و العلاء» معروف به هاشم داخل شد و نور حضرت رسول (ص) از پیشانی او ساطع بود، به حدّی که چون داخل بیت الله الحرام می‌شد کعبه از نور روی او تلوّلو پیدا

۹- بحارج ۱۵ ص ۱۱۷.

۸- بحارج ۱۵ ص ۷ روایت ۷.

می‌کرد. و عبد مناف در هنگام وفات، از هاشم عهد و پیمان گرفت که نور آن حضرت را در رحم پاکیزه‌ای از زنان مسلمه صالحه بسپارد، او دعوت پادشاه حبشه را دایر برگرفتن دختر از آنان قبول نکرد و دختری از نجبای قوم خود گرفت ولی نور محمد (صلی الله علیه و آله) به او منتقل نشد. شبی بر دور خانه کعبه طواف می‌کرد و با تضرع از خدای متعال می‌خواست که به او فرزندی عطاء فرماید که وجود او محل نزول نور محمد (صلی الله علیه و آله) باشد، در این حال به خواب رفت و در عالم خواب صدای هاتفی را شنید که می‌گوید سلمی دختر عمرو را که طاهره و دختر پاک دامنی است، خواستگاری کن پس از آن نطفه طیب عبدالمطلب در صدف رحم طاهره سلمی منعقد شد و نور محمدی (صلی الله علیه و آله) از جبین مبین سلمی ساطع گردید. آن نور به عبدالمطلب منتقل شد و از عبدالمطلب به عبدالله و آنگاه در رحم پاک آمنه قرار گرفت.^{۱۰}

رویدادهای اعجاب انگیز در هنگام ولادت او

آنچه بین علماء شیعه مشهور است، این است که آن حضرت در تاریخ هفده ربیع الاول از عام الفیل، روز جمعه هنگام طلوع فجر پا به دنیا گذاشت. مرحوم مجلسی به نقل از کتاب اقبال الاعمال می‌نویسد:

آنچه را ما در میان اقوال علماء استقراء کردیم این است که ولادت آن حضرت را در روز جمعه هفده ربیع الاول هنگام طلوع فجر از عام الفیل می‌دانند.

شیخ مفید در کتاب حدائق الریاض مثل همین مطلب را بیان کرده است.^{۱۱} اگر به دقت در وجود نبی گرامی اسلام (ص) بنگریم متوجه خواهیم شد که عقل انسان از پی بردن به حقیقت و کمال او عاجز است اگر از نظر امکان ذاتی آن چنان بود که قابلیت اول ما خلق الله را داشت از جهت امکان استعدادی در حدی بود که هیچ موجودی قابلیت آن را نداشته است و نخواهد داشت، او که یک حقیقتی در سماء الهی بود اینک می‌خواست در زمین تجسم یابد و او که نور وجودش هر ذره‌ای از ذات عالم را پر کرده بود (زیرا که فیض الهی به واسطه نور او بر کل موجودات جهان تابیدن گرفته است) در هنگام ولادت و ظهور او در جهان طبیعت باید حوادثی رخ دهد. و زمین و آسمان، کوه و دشت، آب و گیاه و... ظهور او را به جهان بشریت از

.....
۱۰- جلاء العیون ص ۱۹ الی ۳۶.

۱۱- بحارج ۱۵ ص ۱۵۱.

ضعیف و قوی بشارت دهند، بشارت به انسانهای دربند که برای رسیدن به گم شده‌ای بس گرانقدر (سعادت) در تلاش بوده و از نظامهای جور و ستم و جهل به ستوه آمده بودند.

در مناقب ابن شهر آشوب آمده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

لَمَّا وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) الْقَيْتِ الْأَضْنَامُ فِي الْكَعْبَةِ عَلَى وَجْهِهَا فَلَمَّا أَفْسَى سَمِعَ صَيْحَةً مِنَ السَّمَاءِ: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» وَوَرَدَ أَنَّهُ أَضَاءَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ جَمِيعَ الدُّنْيَا وَضَحِكَ كُلُّ حَجَرٍ وَمَدْرٍ وَسَجَرٍ وَسَبَّحَ كُلُّ شَيْءٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَانْهَزَمَ الشَّيْطَانُ وَهُوَ يَقُولُ: «خَيْرُ الْأُمَّمِ وَخَيْرُ الْخَلْقِ وَأَكْرَمُ الْقَبِيْرِ وَأَعْظَمُ الْعَالَمِ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)»^{۱۲}.

هنگامی که رسول خدا (ص) متولد شد بتها در خانه کعبه به روبرو زمین افتادند، پس چون شب شد فریادی از آسمان بلند شد: «حق آمد و باطل رخت بر بست، به راستی که باطل رفتنی است» و در روایات آمده است که آن شب تمام دنیا روشن شد و تمام اجزای زمین به وجد آمدند و هر موجودی در آسمان و زمین، خدای با عزت و جلال را تسبیح می‌گفت و شیطان در حالی که دچار حیرت شده و شکست خورده بود، می‌گفت محمد (صلی الله علیه وآله) بهترین افراد امتها و بهترین خلق و گرامی‌ترین بنده و برترین جهانیان است.

از جمله رویدادهای اعجاب انگیز در هنگام ولادت آن حضرت این بود که:

فَلَمَّا وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَمْ يَبْقَ صَنْمٌ إِلَّا سَقَطَ وَغَارَتْ بُعْثِرُهُ سَاوَةً وَفَاضَ وَاْدِي سَمَاوَةٍ وَخَمَدَتْ نِيرَانُ فَارِسَ وَارْتَجَّ اِيْوَانُ كُشْرِ...^{۱۳}

هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) متولد شد همه بتها از جایشان فرو افتادند و دریاچه ساوه خشکید و آتشکده‌های فارس خاموش و ایوان کسری بلرزه درآمد...

و روایت کرده‌اند که عبدالمطلب در شب ولادت آن جناب نزدیک کعبه خوابیده بوده که: ناگاه دید مرغان همه به سوی کعبه جمع شدند و ابر سفیدی را دید که در برابر حجره آمنه ایستاده است...^{۱۴}

نه تنها جهان مادی و نه تنها ملائکه (که او را به آسمانها بردند) بلکه وجود مقدس آن حضرت نیز این بشارت را می‌داد و آن این که:

.....

۱۲ - بحار ج ۱۵ ص ۲۷۴ روایت ۲۰

۱۳ - بحار ج ۱۵ ص ۳۲۳

إِذَا نَظَرَ إِلَيْهِ التَّائِبُونَ يَسْتَمُونَ مِنْ قَهْدِهِ التَّسْبِيحَ وَالتَّحْمِيدَ وَالتَّنَاءَ عَلَى اللَّهِ

تعالی ۱۵

هر کس به آن مولود مبارک نگاه می‌کرد از گهواره اش صدای تسبیح و ستایش و ثناء بر خدای متعال می‌شنید.

پس اگر نیک بیاندیشیم، پیامبر اسلام (ص) منعقد شدن نطفه اش، تولدش، رشدش و تمام وجودش معجزه است.

.....
۱۵ - بحار ج ۱۵ ص ۲۹۳

بقیه از صفحه ۷۵

کرد، سرانجام هشام دستور آزادی آنان و بازگشت شان به مدینه را صادر کرد. در این بین میان رهبانان و کشیشان مسیحی مقیم شام و امام باقر (ع) مصاحبه ای برقرار شد که مصادر حدیثی، آن را بطور تفصیل نقل کرده اند پس از آن بود که هشام دستور داد تا امام هر چه زودتر دمشق را ترک فرمایند تا مبادا مردم شام تحت تأثیر دانش حضرت قرار گیرند و بلافاصله نامه ای به فرماندار مدینه فرستاده و ضمن آن در مورد امام باقر و صادق (ع) چنین نوشت:

«این دو پسر ابوتراب که بقصد مدینه از شام راه افتاده اند ساحر بوده و به دروغ اظهار اسلام می‌کنند زیرا آنان تحت تأثیر رهبانان مسیحی قرار گرفته و به نصاری گرایش پیدا کرده اند، من بخاطر قرابتی که با آنها دارم از آزارشان خودداری کردم وقتی که آنها به مدینه آمدند از طرف من به مردم بگو: من از کسانی که با آنان معامله کرده و یا مصافحه کنند و بر آنان سلام دهند ذمه ام را بری می‌دانم زیرا آنان از اسلام منحرف شده اند.»

مردم تحت تأثیر این فرمان قرار گرفته و اهانت‌هایی به حضرات روا داشته ولی امام به نصیحت آنها پرداخته و از عذاب الهی بیمشان داد تا بالأخره دست از اهانت برداشتند^{۱۰۳} روایت فوق حاکی از حیلۀ هشام به منظور مسخ چهره اهل بیت و اصرار ائمه شیعه بر برتری مقام خود از دیگران می‌باشد.

.....
(۱۰۳) طبری، دلائل الامامة ص ۱۰۴ - سید بن طاووس، امان الاخطار ص ۵۲، طبع نجف - بحار الانوار ج ۱۶ ص ۳۰۶ - رک تفسیر علی بن ابراهیم قمی ص ۸۸ - ابن شهر آشوب، مناقب آل ائمه ج ۶۳ ص ۳۳۴ و ۳۴۸.